

انتقاد از سیاسیون تنگ نظر#۴۷؛ چه موافق ظریف باشیم چه مخالف، باید از او استقبال کنیم

پس از مطالبی که جواد ظریف اخیراً در کلاب‌هاوس مطرح کرد، حملات به او هم از در و دیوار فرو ریخت و دوباره برجام، لعنتی شد و کار ظریف خیانت در حق ملت. همان برجامی که مخالفان قبلی برجام در دوره جدید با دست پس می‌زنند و با پا پیش می‌کشند؛ البته حرکت دستشان دیده می‌شود و حتی صدایش بلند است، اما کسی پا را نمی‌بیند. بگذریم که تاریخ بهترین داوری کننده در مورد افراد خائن و خادم است.

به گزارش سایت خبری پرسون، اما نکته عجیبی که در مقام نقد عملکرد وزیر قبلی امور خارجه گفته می‌شود (چه قبولش داشته باشیم و چه نه… چه کارش را شاهکار بدانیم یا همراه با غفلت و اشتباه…) آن است که چرا پس از دو سال سکوت حالا در سال انتخابات پا به عرصه دفاع گذاشته و سکوتش را شکسته است؛ و این حرکتها را برای حضور در انتخابات قلمداد کرده‌اند.

گرچه خودش برای رفع این شبهه به صراحت گفته که خیال آمدن ندارد و حتی به فکر ریاست جمهوری هم نیست اما حتی اگر چنین می‌بوده یا چنین باشد مگر ذنب لایغفر است؟ راستی ورود چهره‌های مختلف به عرصه انتخابات فرصت است یا تهدید؟ اتفاقاً همه دوستداران انقلاب و ایران باید خوشحال باشند که تب انتخابات هرچه رقابتی‌تر و داغتر باشد، چرا که انگیزه مشارکت را بالا می‌برد و دیگر حضور ۵۰ درصد یا ۴۰ درصدی مردم را که انصافاً برای نظام مردمسالاری دینی فاجعه‌ای تمام عیار است اتفاق نمی‌افتد. آنها که می‌خواهند حلقه و دایره انتخاب را تنگ کنند و با ایجاد مضایق مختلف فرصت حضور چهره‌های متنوع را محدود و محدودتر کنند، مگر سودایی غیر از این در سر دارند که از این ضیق و تنگنا، برای رسیدن خود به مناصب قدرت بهره ببرند و در یک عرصه غیررقابتی مجدداً بر صندلی‌هایی بنشینند که برآیند نمایندگی درصد اندکی از مردم است و نه اکثریت ملت؟ در آن صورت علیرغم این همه دأب پیروی از رهبری چگونه با توجیه حضور حداکثری ملت در انتخابات کنار می‌آیند؟

چه موافق ظریف باشیم و چه نباشیم باید از حضور افراد اثرگذاری چون او در عرصه انتخابات اتفاقاً استقبال کنیم گرچه خود به صراحت گفته است که چنین سودایی در سر ندارد و این یادداشت نیز به هیچ عنوان آتش تهیه‌ای برای ایجاد بستر حضور یکی از بهترین وزرای خارجه تاریخ ایران برای این عرصه نیست حتی در مقام دفاع از او هم نیست گرچه در ایمان و وطن‌دوستی او تشکیک نارواست، اما سخن بر سر آن است که هرکس داعیه دفاع از انقلاب و نظام دارد و هر هموطن دلسوزی که به اعتلای ایران و ایرانی و ارتقای سطح کارشناسی و فهم مدیریتی در مراکز بالای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور اعتقاد دارد باید، هم از افزایش ظرفیت انتخاب نخبگانی در مرکز سهمی چون پارلمان به شدت استقبال کند و هم از کاهش فاصله عجیب و معنادار ملت و دولت شادمان شود که برآیند آن را می‌توان در افزایش میزان مشارکت که بهترین سنجه رشد سرمایه اجتماعی است، مشاهده کرد.

چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه خود را اصلاح‌طلب بدانیم یا اصولگرا (که البته همه می‌دانیم ملت دیگر نه به این دل خوش دارد و نه به آن و نه به زیر شاخه‌های متکثر هر کدام چون نو اصولگرا یا اعتلایی یا کارگزارانی و یا…) و چه حتی با حاکمیت هم مسأله داشته باشیم و با کل نظام سر آشتی نداشته باشیم، به خاطر نقش مهمی که پارلمان در تصویب قانون خوب، اصلاح قوانین نادرست، نظارت کافی و دقیق بر حسن اجرای امور و ایجاد ریل مناسب برای عبور از گردنه‌های سخت و مقابله با ابر بحرانهای اساسی کشور عزیزمان ایران برعهده دارد، باید همه همّت خود را به کار گیریم تا آنجا که می‌شود ظرفیت اندیشگی و عقلانیت پارلمان بالا برود و بیشترین فرصت برای حضور نخبگان در آن فراهم آید و بیشترین میزان مشارکت در آن صورت گیرد.